

بسم الله الرحمن الرحیم

اجازه بدید که گفتگومون رو با یک سوال آغاز کنیم:

فرض کنید یه غول چراغ جادو دارید که می گه شما می تونید فقط و فقط سه آرزو بکنید و حتما اونها برآورده می­شن. شما اگر در چنین شرایطی باشید چه آرزویی میکنید؟

(جواب های مختلف را میشنویم)

ما همه این آرزوی خیالی رو دوست داريم ، همه يه وقتايي شايد چنين خيال پردازي اي رو كرده باشيم كه چقدر خوب بود اگه آرزوهام اينجوري برآورده مي شد، چه حس خوبیه که آدم مطمئن باشه آرزوهاش برآورده می شن.

سوال اینجاست که تو یک چنین موقعیتی حاضریم این فرصت رو خرج دیگری کنیم؟

این مثال رو زدم که ذهنهامون رو نزدیک کنیم به حالاتی ولحظاتی که بارها و بارها برای تک تک ما اتفاق افتاده .

در زندگی واقعیمون، بزرگترین قدرت عالم یعنی خداوند به ما گفته که ای بنده­های من! از من بخواهید تا نعمت ها و خواسته هاتون رو به سمتتون روانه کنم ، در هر حالی که هستید با من نجوا کنید و راز و نیاز کنید و لحظه ای از مهربانی و نگاه و لطف من ناامید نشید .

خدا به رسولش می­فرماید:

" به مردم بگو که من به شما نزدیک هستم و آنکس که مرا بخواند من او را جواب می­دهم "

وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادي عَنِّي فَإِنِّي‏ قَريبٌ‏ أُجيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعان‏

این ندای الهی یکی از امیدوارانه ترین صداهائیه که خدا ما رو با اون به سمت خودش فرا می خونه .

چقدر حس خوبیه که بدونی همیشه و بدون محدودیت می­تونی خدا رو صدا کنی ، آرزوهات رو ازش بخوای و او صدای تو رو می شنوه و آرزوهات رو می بینه و اجابت می کنه .

اما یه وقتایی هست که این صدا کردن خدا برامون یه رنگ و بوی دیگه­ای می گیره... یه حس مشترک بین ما آدمها که تو خلوتمون ، تو تنهایی هامون خدا رو صدا زدیم و آنقدر این ارتباط رو نزدیک دیدیم که برامون خاطره شده و می تونیم الآن برای هم مثال بزنیم . حالی که اصطلاحاً بعضی ها می گن انگار سیممون با خدا وصل شده .

کسی می تونه خاطره ای از این حالش برامون بگه ؟

مثل حال کسی که دلش شکسته و با تمام وجود خدا رو صدا میزنه و می دونه این دعاش یه رنگ و بوی دیگه ای داره و خدا انگار داره یک جور دیگه صداش رو می شنوه

یا دیدیم بعضیها وقتی مسافری عازم زیارته ، دم رفتن ازش خواهش می کنن و می گن تا چشمت به گنبد طلایی حرم خورد ، من رو هم یاد کن ، آرزوی من رو هم بگیر ... انگار اون لحظه – لحظه ی اولین دیدار در یک زیارت – همه چیز آماده است که تو بخوای و بگیری ...

یا مثلاً خیلی این صحنه رو دیدیم که مردم ، مخصوصا جوونها شب شام غریبان امام حسین (ع) می رن یه گوشه ای و شمعی روشن می کنن و با خودشون نجوا می کنن ...

این حس و حالی که داریم ازش حرف می زنیم مخصوص قشر خاص و اعتقاد خاصی نیست ، خیلی از آدمها با خدای خودشون این تجربه ی شیرین رو لمس کردن .

حالا سوال اینجاست ، چقدر حاضری تو این حال ، آرزو و دعاهات رو خرج دیگری کنی؟

قبول داریم این کار خودِ خود معرفت به خرج دادنه ؟ اینکه تو دیگری رو بر خودت ارجح بدونی . اینکه آرزوی دیگری بیاد جای آرزوی تو رو تو اون حال بگیره و اینکه شاید مصداق از خودگذشتگی باشه .

و من می دونم که خیلی از ما ها اهل چنین از خود گذشتگی ای هستیم .

اگر شما خبر دار بشی که کسی بدون اینکه شما حتی خبر دار بشی ، برای دعا کرده ، تو یک حال خیلی خاص هم دعا کرده ، بدون اینکه حتی ازش درخواست کرده باشی ، این محبت رو در حقت انجام داده باشه ، چه حسی نسبت به اون آدم پیدا می کنی؟

اگر بفهمی که خودش هم مشکلی داشته ولی ، آرزوی شما رو مقدم بر حاجت خودش دونسته چی؟

همه هم عقیده اند که این آدم رو نباید از دست داد ، باید یه جوری قدردانی خودمون رو بهش نشون بدیم ، باید یه جوری مهربونیش رو با محبت پاسخ بدیم . دنبال این می گردیم که ما هم اگر از دستمون بر می آد گره ای از مشکلاتش باز کنیم

یک مثال از چنین انسان بزرگواری رو همه ی ما تو زندگیهامون دیدیم . بله ! مادرهامون . دلیل اینکه وقتی اسم مادر می آد اولین صفتی که برای توصیفش می گیم از خود گذشتگیه . چون او همیشه خواسته های ما براش ارجحیت داره به آرزوهای خودش . اصلاً آرزوهای یک مادر ، یعنی خواسته های بچه اش . پس جا داره همین الآن قصد کنیم تو اولین فرصت قدردانی خودمون رو نسبت به این دریای محبت – مادرهامون – نشون بدیم .

این چیزیه که بین همه­ی ما آدمها مشترکه که می­فهمیم "از خودگذشتگی" چقدر ارزشمنده، مخصوصاً تو این روزگار که ایثار کردن بدون چشم داشت برای ما یه گوهر گرانبهاست.

منم یک مادر می شناسم که مادر شماست . مادری که فقط به شناسنامه نیست ، به مادری کردنه ! من مادری رو می شناسم که برامون مادری کرده چون او هم برای من و شما از خودگذشتگی کرده . بدون اینکه رفته باشیم سراغش برامون دعا کرده ؛ بدون اینکه یادمون باشه که او هست ، او دل نگران ما بوده و هست .

و این مادر کسی هست که نه تنها تو کل زندگیش ، بلکه در آخرین لحظات عمر شریفش هم ما رو از یاد نبرد . و این مادر ، یک مادر معمولی هم نبود ! بهترین زنان عالم بود ! دختر بهترین خلق خدا بود ، همسر مظلوم ترین فرد عالم بود و مادر سالار جوانان اهل بهش بود . او فاطمه بود ! فاطمه دختر رسول خدا و همسر امیرالمومنین (ع) . او برای ما دعا کرده ، و می دونید در چه حالی ، چه دعایی کرده ؟ می دونید خدا رو چگونه قسم داده؟ نه برای خودش ؛ برای ما ! اجازه بدید براتون نقل کنم :

"هنگام وفات حضرت زهرا سلام الله علیها ، اسماء نقل می کند که این بانو را دیدم ، در حالیکه دستانشان را به سوی آسمان بلند کرده بودند و این گونه می فرمودند:

خداوندا ! به حق محمد مصطفی و اشتیاق ایشان به سوی من و به حق علی مرتضی و حزن ایشان برای من و به حق حسن مجتبی و گریه اش بر من و به حق حسین شهید و به بد حالی اش بر من و به حق دخترانم و افسوسشان برای من، از تو می خواهم که گناهکاران امت محمد را رحمت کنی و ببخشی و آنها را داخل بهشت گردانی."

آره ! کس دیگه ای رو سراغ دارید که برای ما خدا رو اینگونه صدا زده باشه؟!

وقتی صحبت از معرفت و از خودگذشتگی کردم ، دلم می خواست بزرگترین مصداقش رو هم در عالم براتون بگم و اون اینگونه دعا کردن مادرمون فاطمه زهرا سلام الله علیها است .

همه گفتن باید محبت رو با محبت پاسخ داد ! خوب بسم الله ! به نظرتون رسم جوانمردی که نیست که ما هم به گونه ای این محبت رو پاسخ بدیم؟

خوب به نظرتون چی می تونه این مادر رو دلخوش کنه؟

اصلاً یک مادر با چی دلش آروم می شه؟ جز اینه که آرامش مادر بسته به آرامش فرزندشه؟ جز اینه که مادر اول و آخر دل نگرانیش بچه هاشه؟ خوب شک نکنید که هیچ کاری مادرمون حضرت زهرا سلام الله علیها را خوشحالتر از این نمی کنه که ببینه ما ها هوای فرزندش رو داریم .

فرزندی که غریبه ! تنهاست ! در غربته ! و چشم انتظار منو شما !

بزرگترین دغدغه ی فاطمه سلام الله علیها امروز ، فرزندش مهدی است ! امام زمان ما ! بزرگترین غریب زمان ! کسی که بازمانده ی اهل بیت پیامبر در کنار ماست و تنهای تنهای تنها !

بیاییم پاسخ به محبت مادرمون رو با رفتن به سراغ فرزندش و رجوع به این بزرگوار و تنها نگذاشتنشون ، بدیم . بیاییم بگیم مادر خیالت راحت ! ما فرزند مهدی رو تنها نمی ذاریم . ما نمی خواییم دیگه روزی از ما بگذره بدون یاد او ، بدون سخن گفتن با او ، بدون سلام به او ! مادر دلت به ما گرم باشه ، ما محبت شما رو فراموش نمی کنیم و فرزندت رو رها نمی کنیم . تا لحظه ای که خدا پرده از غیبت مولامون مهدی بر نداره ، لحظه ای آرام نمی نشنیم و دست از دعا برای تمام شدن غربت فرزندت مهدی بر نمی داریم ، که آمدن او تمام آرزوی ماست .

مادر خیالت راحت ! ما هستیم !

اللهم عجل لولیک الفرج